

## کالبدشکافی منافع ملی در چارچوب گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

محسن جلیلوند<sup>۱</sup>

صیاد اسلامی<sup>۲</sup>

### چکیده:

سیاست خارجی هر کشوری نشأت گرفته از محیط داخلی و همچنین محیط خارجی اعم از منطقه ای و جهانی است. به عبارت دیگر عناصر تاثیر گذار بر گفتمان‌های سیاست خارجی هر کشوری در جهت تحقق منافع ملی تحت تاثیر متغیر زمان و مکان است. جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نیز مبتنی بر همین عناصر اعم از ماهیت دولت، نقش ایدئولوژی، متغیر زمان و رویکرد محیط و بازیگران منطقه ای و جهانی معنا شده است. هدف محوری این پژوهش بررسی تاثیرات محیط داخلی و جهانی بر عنصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا گفتمان‌های سیاست خارجی اعم از لیبرال محور، توسعه محور، تنش زدایی، توسعه محور آرمان‌گرایی و... با آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین در این راستا تاثیرات موضوعاتی از قبیل فقدان استراتژی مشخص، شکاف و عدم هماهنگی در بین تصمیم‌گیرندگان، محیط پر آشوب نظام بین‌الملل و خاورمیانه و... مورد توجه قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** ایران، سیاست خارجی، منافع ملی، واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی

---

<sup>۱</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران: نویسنده مسئول

Mohsen\_Jalilvand@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با وجود تفاوت در روش‌ها و سازوکارهای گفتمانی و اجرایی در سطح کلان و چارچوب تحلیلی در مواجهه با نظام بین‌المللی از اهداف، اصول، آرمان‌ها و ارزش‌هایی منحصر به فرد تبعیت نموده است که این اهداف و ارزش‌ها بیش از هر چیز نشأت گرفته از عناصر متشکله انقلاب اسلامی نظیر تعالیم عالیه اسلام، رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری و خواسته اکثریت مردم ایران بوده است که به عنوان عناصر هویت بخش به گفتمان انقلاب اسلامی و پدیده تأثیرگذار و دارای بردی وسیع در سطح بین‌المللی در طول حیات خود به تولید، بازتولید و غنا ساختن دانش و معرفت بشری پیرامون پدیده‌ها و موضوعات مختلف بین‌المللی کمک شایانی نموده است. ندای حق طلبانه، عدالت‌خواهانه و استقلال طلبانه آحاد مردم و اصول و آرمان‌های عالیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در اسناد مختلفی تبلور یافته است که در تدوین این راهبرد مورد استفاده قرار گرفته است. در ایران بعد از انقلاب اسلامی با وجودی که قانون اساسی چارچوب راهبردی سیاست خارجی را مشخص کرده است. منافع ملی زیربنای سیاست خارجی هر کشور را شکل می‌دهد. برای درک «منافع ملی» هر کشوری از جمله جمهوری اسلامی ایران، لازم است تا شاخص‌های ژئوپلیتیکی، ساختاری، فرهنگ سیاسی و بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. نشانه‌ی دیگر منافع ملی مبتنی بر تغییرپذیری موضوعی و جغرافیایی خواهد بود. به همین دلیل است که منافع ملی کشورها به موازات ائتلاف‌ها و ضدائتلاف‌ها، در حال تغییر و بازتولید است. درک منافع ملی ارتباط مستقیم با فرایندهای تاریخی و هویتی هر جامعه دارد. به همین دلیل است که شکل‌بندی‌های منافع ملی با ضرورت‌های مربوط به نشانه‌ها، اهداف و منافع ایدئولوژیک پیوند می‌یابد. این پژوهش به بررسی این گفتمان‌ها در چارچوب منافع ملی می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ سریع القلم؛ پژوهش حاضر حاوی ارزیابی نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نیز متضمن پیشنهادهایی برای طراحی استراتژی‌های مناسب است که براساس این پرسش فراهم آمده است. فرآیند تامین امنیت ملی و ثروت ملی ایران، منطقه‌ای نیستند، بلکه عمدتاً بین‌المللی هستند و چون گردونه جهانی نزد غرب است، بهتر است دولت مردان هوشمند ایران تعارض خود را با غرب قاعده‌مند کنند، نه قهر به نفع ایران است و نه شیفتگی، کشور برای کسب ثروت ملی، قدرت ملی و پرستیژ جهانی باید اجماع سیاسی داشته باشد. ایران ذاتاً یک کشور بین‌المللی است و دولت مردان آن باید به فکر ایران قدرتمند با سامان سیاسی داخلی و ثروت ملی در نیم قرن آینده باشند. راهبرد اتحاد و ائتلاف از پرمشتری

ترین و علمی‌ترین راهبردهای تضمین‌کننده صلح و امنیت تلقی می‌شود.

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اثر دهقانی فیروزآبادی؛ این کتاب در نهم فصل به بررسی گفتمانی سیاست خارجی دوره جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است که در بخش اول به موضوعاتی همانند رویکردهای نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منافع، اهداف و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در بخش دوم به موضوعاتی همانند تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از دولت موقت تا بیانیه الجزایر، دوران دفاع مقدس و پرداخته شده است.

- کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال و آفریقا (۱۳۹۵)، نوشته مارک گازیورسکی و ترجمه عسگر قهرمان‌پور، انتشارات امیرکبیر. این کتاب موضوعات جاری و مهم منطقه خاورمیانه را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. نویسندگان کتاب از متخصصان مشهور مطالعات خاورمیانه هستند این کتاب در حال حاضر در بسیاری از دانشگاه‌های جهان در حوزه مربوطه تدریس می‌شود. فصول کتاب به طور نظام‌مندی سازماندهی شده و پیشینه تاریخی شرایط اجتماعی و اقتصادی سیاست و سیاست خارجی کشور مربوطه را در بر می‌گیرد ترجمه حاضر بر اساس آخرین ویراست صورت گرفته و سیاست‌های هسته‌ای ایران پویایی‌های سیاسی در عراق پس از صدام و همچنین تحولات سوریه ترکیه لبنان و آخرین تحولات خاورمیانه پس از بهار عربی را پوشش می‌دهد.

- کتاب خاورمیانه نو: نظریه و عمل (۱۳۹۴)، نوشته فرد هالیدی، بری بوزان، هینه بوش و دیگران، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، انتشارات امیرکبیر. این کتاب در دو بخش نظری و عملی، تحولات و موضوعات مهم خاورمیانه را بعد از جنگ سرد تا به امروز مرور و همچنین چالش‌ها و تحولات آینده این منطقه بررسی می‌کند. درباره خاورمیانه و موقعیت استراتژیک آن در جهان امروز کتاب‌های زیادی تا به حال نوشته شده که در هر یک از آنها نویسندگان سعی کرده‌اند با تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به این نقطه حساس در روزگار معاصر به داده‌های تازه‌ای در این زمینه دست یابند. مولفان در بخش نظری این کتاب سعی می‌کنند برای تحلیل خاورمیانه یک طرح واره نظری ارائه دهند و بخش عملی هم با بهره‌گیری از چنین طرح‌واره‌ای موضوعات مهم خاورمیانه را تحلیل می‌کنند و سرانجام نگاهی کوتاه به چالش‌ها و تحولات آینده منطقه دارند. مجموع مباحث کتاب در هشت فصل تهیه و ارائه شده است.

- دکتر داود غزایاق زندی در کتاب محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران در فصلی با عنوان شکل‌بندی محیط امنیتی ایران در عصر هژمونیک‌گرایی آمریکا از دکتر متقی آورده است

که محیط امنیتی کشورها در دوران بعد از جنگ سرد با تغییرات سریع و گسترده‌ای همراه بوده است.

- لی. نور. جی ماتین در کتاب چهره جدید امنیت در خاورمیانه با ترجمه قدیر نصری معتقد است که اختلافات و درگیری قومی - مذهبی، با مولفه‌های امنیت یعنی تمامیت ارضی، جامعه و حتی مشروعیت رژیم را مورد تهدید قرار می‌دهد. اگر توده مردم به مشروعیت سیاسی رژیم ایمان نداشته باشند و رژیم در گرداب جنگ داخلی گرفتار آید، توانایی داخلی آن به تحلیل خواهد رفت، دشمنان خارجی می‌توانند با سوء استفاده از جنگ داخلی، از دشمنان داخلی رژیم برای بی ثبات سازی آن بهره گرفته و یا به طور مستقیم در آن کشور دست به مداخله بزنند.

### تعریف منافع ملی

به اعتقاد صاحب‌نظران، منفعت کلیدی‌ترین واژه در امر سیاست است و طبعاً منافع ملی هم کلیدی‌ترین واژه در سیاست بین‌الملل است. در مورد مفهوم منافع ملی و تعریف آن دیدگاه‌های مختلفی از قبیل دیدگاه‌های واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان وجود دارد که فقط به دیدگاه‌های واقع‌گرایان اشاره می‌کنیم.

واقع‌گرایان در این خصوص به دو دسته عینی‌گرا و ذهنی‌گرا تقسیم می‌شوند. عینی‌گرایانی چون مورگنتا منافع ملی را واقعیتی عینی می‌دانند که برحسب قدرت تعریف می‌شود؛ البته برخی عینی‌گرایان مانند شومان بر متغیر امنیت تأکید می‌کنند؛ در مقابل، واقع‌گرایان ذهنی‌گرا منافع ملی را چیزی جز تصمیمات اقتدارآمیز نخبگان کشورها نمی‌دانند. در اینجا عنصر اصلی، تلقی نخبگان و تصمیم‌گیرندگان از منافع ملی اجماع نظری وجود ندارد، در اینجا به تعاریف و دیدگاه‌های «منافع ملی» است. از آنجا که درباره مفهوم موجود نمی‌پردازیم، بلکه شاخصی را ارائه می‌کنیم که بر حسب آن بتوان سیاست خارجی یک کشور را بر حسب منافع ملی سنجید. می‌توان گفت سیاست خارجی زمانی در راستای تعقیب و تأمین منافع ملی موفق عمل می‌کند که در یک دوره زمانی مشخص بتواند موجبات افزایش قدرت ملی و ثروت ملی (ثروت به معنای دانش، تکنولوژی و همه منابع مادی و معنوی قدرت و ثروت) را فراهم آورد. در راستای تبیین شاخص مورد نظر، این نکته مفروض گرفته شده که در صورت افزایش قدرت ملی و ثروت ملی یک کشور در مقطع زمانی خاصی، منافع ملی آن کشور به مفهوم منافع آحاد تشکیل دهنده آن جامعه نیز تأمین شده است. این شاخص در ارزیابی موفقیت سیاسی خارجی معیار مناسبی به نظر می‌رسد، چرا که به لحاظ وجود اختلاف نظر درباره مفهوم منافع ملی، هر دولتی می‌تواند سیاست خارجی خود را در راستای منافع ملی تعریف کند؛ البته ورود این شاخص می‌تواند راه هرگونه سوء تعبیر از مفهوم منفعت ملی را ببندد. بر این اساس، دولتی می‌تواند ادعا کند که سیاست خارجی

آن کشور در تأمین منافع ملی موفق بوده است که در یک مقطع زمانی خاصی و برحسب معیارهای عینی ارزیابی قدرت و ثروت ملی، بتواند این شاخص‌ها را ارتقا بخشد و موجبات بهبودی مادی و معنوی زندگی شهروندان خود را فراهم کند. سؤال اصلی که این مقاله در مقام پاسخگویی به آن است این که منافع ملی ایران در سیاست خارجی چیست و چه رابطه‌ای با اهداف ملی دارد؟ آیا می‌توان مصادیق منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تعیین کرد؟ قبل از ورود به بحث، لازم است چند مسأله که برای تعیین منافع ملی کشور اهمیت دارند تبیین شوند. (ابراهیمی، ۱۳۷۳: ۴۷)

منافع ملی عبارت است از وضعیتی که جامعه سیاسی در بهترین وضعیت ممکن سیاسی و قدرت خود قرار گیرد. • منافع ملی امری ذهنی و دلخواه نیست • مورگان‌تا منافع ملی را امری ملموس و عینی محسوب می‌دارد و مدعی است منافع ملی معیاری همیشگی است که باید با آن اقدام سیاسی را ارزیابی کرد. (پالمرستون، ۱۳۷۹) منافع ملی معیاری جاودانی در سیاست خارجی است. ما تعهد ابدی نداریم "اما منافع ملی ما امری ابدی است و وظیفه ما پیروی از آن است."

### انواع منافع ملی

• اختلاف‌زا: قابل مصالحه یا مرافعه است. جنگ سرد را در این فضا می‌توان دید.  
• متعارض: زمانی که منافع بازیگران با یکدیگر تضاد اصولی دارد. مثل سیاست‌های شمال و جنوب.

• مشترک: بازیگران دارای منافع همسان هستند.  
• موازی: زمانی که ارتقاء و افول منافع ملی یک کشور به ارتقاء و افول منافع ملی کشور دیگر بستگی دارد.  
و هریک از طرفین درصدد تحصیل آن از طریق همکاری یا عدم همکاری با دیگران است. تنش زدایی در چارچوب این منافع قابل تبیین است.

### متغیرهای مؤثر بر پیگیری و تأمین منافع ملی در سیاست خارجی

مسأله اول؛ متغیر بودن منافع ملی کشور: منافع ملی کشورها ثابت نیست و به تناسب زمان و مکان و تحت تأثیر تحولات داخلی و بین‌المللی دچار تغییر می‌شود؛ بنابراین درک تغییر مفاهیم و ارائه تعریف جدید و تعیین جهتگیری‌های لازم برای حصول منافع ملی اجتناب ناپایر است. حتی برخی از اصول ثابتی هم که در سیاست خارجی همه کشورها وجود دارد، مانند استقلال، حاکمیت ملی و امنیت نیز از لحاظ مفهومی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. در حال حاضر، نظام بین‌المللی نسبت به دهه‌های قبل دچار تحول بنیادین شده است و نظریه‌های جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل از جمله نظریه جهانی شدن، مطرح گردیده که تأثیر عمیقی بر منافع جمهوری اسلامی ایران نیز می‌گذارد، به طوری که صاحب‌نظران اغلب معتقدند روندهای جدید بین‌المللی در

زمینه اقتصاد بین‌الملل، گردش بی نظیر مالی، سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، انفجار اطلاعات و ارتباطات سیاسی، هنجارهای فراملی و نهادهای فراملی و قدرت نفوذ آنها همه بحث‌های جدیدی را در منافع، قدرت و امنیت ملی ترسیم می‌کند از لحاظ داخلی هم شاهد تحولات عدیده‌ای هستیم که در سطوح اجتماعی و سیاسی به صورت روشن و برجسته‌ای نمایان است؛ از جمله کم رنگ شدن انگیزه‌های ایدئولوژیک در رفتار سیاسی نظام و تأکید بیشتر بر اهداف اقتصادی و نیز ظهور جریان‌های فکری و سیاسی که بر منافع ملی تأکید می‌ورزند. همچنین بروز تضادهای اساسی در بین اندیشه‌ها و نهادهای حاکم، درک مفهوم منافع ملی و چگونگی تعقیب آن را پیچیده‌تر ساخته است؛ بنابراین همانطور که کنث بودینک یادآوری می‌کند، چیزی که ما باید یاد بگیریم این است که منفعت ملی امری متغیر و متحول و نه ثابت می‌باشد. از این رو توجه به تغییرات حاصل شده و تأثیر آن بر مفهوم منافع ملی و رعایت آن در سیاست خارجی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۳۲)

مسأله دوم؛ توجه به جنبه مفهوم منفعت ملی را از دو بعد تحدید می‌کند: بعد فرو ملی و بعد فراملی. واژه منافع جمعی و عالیه عموم مردم غیر از منافع شخصی افراد تصمیم گیرنده است و «منافع ملی»، فروملی جامعه را مطرح می‌کند. از بعد فراملی هم «خیر عمومی»، را به ذهن متبادر می‌سازد و به عبارت دیگر مرزهای سیاست خارجی را محدود می‌کند؛ بدین معنا که بر حسب منافع ملی اهداف خارجی یک کشور دولت محدود به تأمین منافع ملت خود در چارچوب سرزمینی مشخص است. بنابراین بدون توجه به مفهوم دولت «و» ملی، سخن گفتن از منافع ملی غیر ممکن است و در عین حال در شرایطی که در نظام «ملت» بین‌الملل، دولت ملی بازیگر اصلی می‌باشد تعقیب هدفی جز منافع ملی غیر ممکن است. بنابراین تأکید بر بودن دارای اهمیتی خاص و ضرورتی اساسی است. در جمهوری اسلامی ایران ماهیت دولت ملت این «ملی» را می‌طلبد که این واحد سیاسی در رفتار خارجی در پی حفظ و بقا و تأمین امنیت خود باشد و از فضای بیرونی در جهت رشد اقتصادی خود بهره گرفته و به موفقیت و منزلت خود اعتبار بخشد.

از این نظر، تعقیب می‌باشد و اولویت اصلی در چنین دولتی کسب قدرت و «دولت مدرن» منافع ملی کارکرد ذاتی و اصلی اعتبار بین‌المللی برای واحد دولت ملت مورد نظر می‌باشد. به ویژه در برداشت دموکراتیک، کارویژه سیاست و حکومت تأمین مصلحت و منفعت واحد سیاسی مورد نظر است. بنابراین زمانی که از منافع امنیتی ایران سخن گفته می‌شود، قطعاً مفهوم مرز، مطرح می‌شود و منافع چارچوب معینی پیدا می‌کنند که نمی‌توان از این چارچوب تخطی کرد، زیرا این از نظر جغرافیایی مشخص و محدود بوده و امکانات و قابلیت‌هایش نیز محدود است. این یک واقعیت عینی است؛ در «مفهوم غالب عام» برخی از این منظر منافع ملی را یک سیاست

خارجی تمامی کشورها می دانند که به جهتگیری‌ها، سمت و سو بخشیده و سیاست‌ها را تنظیم می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۲۷)

### رویکردها به سیاست خارجی

یکی از موضوعات و مباحث مهم در مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتخاب رهیافت و رویکردهای نظری مناسب است. چون هر یک از این نظریه‌ها بر اصول و مفروضه‌های متمایزی استوار است. گزینش متغیرها، عوامل، فرآیندها و مفاهیم خاصی را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایجاد می‌کند. در مورد چارچوب مفهومی یا نظری مناسب برای مطالعه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی، اتفاق نظر وجود ندارد. این اختلاف نظرها از نوع رابطه بین نظریه روابط بین‌الملل و نظریه سیاست خارجی از یک سو و ماهیت و هویت جمهوری اسلامی از سوی دیگر سرچشمه می‌گیرد. این نکته در خور توجه می‌باشد که به کارگیری چارچوب مفهومی مبتنی بر نظریه‌های روابط بین‌الملل برای تحلیل سیاست خارجی ایران با محدودیت‌های نظری متعددی روبروست. اولین محدودیت نظری، بر خاسته از ماهیت زمینه نظریه روابط بین‌الملل است که برای تبیین و حفظ نظام و نظم بین‌المللی تاریخی، فرهنگی خاصی، پردازش و ارائه شده است. به ویژه استیلای پارادایم واقع‌گرایی بر مطالعات روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم که بر نقش قدرت‌های بزرگ در سیاست جهانی تأکید می‌ورزد، باعث محدود شدن روابط بین‌الملل به بررسی مناسبات و علایق این کشورها گردیده است. این امر به معنای خارج شدن کشورهای در حال توسعه و روابط آنها از قلمرو تبیین این نظریه‌ها است. بنابراین، نظریه‌های جریان اصلی از قدرت تبیین لازم برای فهم رفتار و تحلیل سیاست خارجی این دسته از کشورها که تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، ارزشی و ایستاری با دولت‌های ملی غربی دارند، برخوردار نیست. در صورت مفهوم پردازی خاص برای تحلیل سیاست خارجی جوامع در حال توسعه بر اساس نظریه‌های جریان اصلی، مشکل بر سر چگونگی تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورهای انقلابی بروز می‌کند. بعضی از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، انقلاب‌ها را پدیده‌های سیاسی اجتماعی منحصر به فردی قلمداد می‌کند که رفتارهای خاصی را بر می‌انگیزد.

کشورهای انقلابی سیاست خارجی متمایزی از سایر کشورها دارند و رفتار سیاست خارجی آنها متأثر از ماهیت انقلابی و نظام سیاسی انقلابی است. محدودیت نظری دیگری که انتخاب چارچوب مفهومی مناسب برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با مشکل مواجه می‌سازد، ماهیت اسلامی آن است.

اگر چه ایران یک کشور انقلابی است و از الگوی رفتار سیاست خارجی انقلابی پیروی می‌کند، اما انقلابی با هویت اسلامی است که آن را از سایر نظام‌های انقلابی متمایز می‌سازد. بنابراین،

ماهیت اسلامی انقلاب ایران و ایدئولوژی مشروعیت بخش به نظام سیاسی بر خاسته از آن، به کارگیری نظریه‌های سیاست خارجی انقلابی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی را محدود می‌کند. اما با وجود این مشکلات و محدودیت‌های نظری بدین معنا نیست که یک نظریه خاص برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید پردازش شود. (کاظمی، ۱۳۷۲:

۲۲۴)

### رویکرد آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

آرمان‌گرایی به عنوان یک مکتب فکری، ریشه درخوش بینی عصر روشنگری قرن هیجدهم، لیبرالیسم قرن نوزدهم و ایده‌آلیسم ویلسونی قرن بیستم دارد. به نظر آرمان‌گرایان سیاست عبارت است از هنر خوب حکومت کردن یا حکومت خوب. این نظریه ریشه جنگ و خشونت در ساخت جامعه داخلی و بین‌المللی است و اگر این وضع خاص متحول و اصلاح شود، جنگ نیز از میان خواهد رفت. آرمان‌گرایی بر این فرض استوار است که شرایط محیطی اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد و در صورت تغییر آن، رفتار وی نیز دگرگون خواهد شد. به نظر آرمان‌گرایان انسان ذاتاً نوع دوست و خیرخواه است و در صورت فراهم شدن محیط مناسب و مساعد، جنگ و خشونت را پیشه نخواهد کرد. بنابراین رویکرد آرمان‌گرایانه سیاست خارجی، مبتنی بر اصول و معیارهای انتزاعی سنتی است که هنجارها، قواعد و موازین حقوقی و ارزش‌های اخلاقی را در بر می‌گیرد و جهت‌گیری تجویزی و سیاست کارانه دارد. از منظر این نظریه، سیاست خارجی مبتنی بر اصول اخلاقی، موازین حقوقی و ارزش‌های انسانی، مؤثرتر و کارآمدتر است، زیرا این اصول و ارزش‌ها به جای رقابت، ستیزش و جنگ، وحدت، همکاری و تشریک مساعی میان کشورها را افزایش می‌دهند. همچنین قدرت اخلاقی و ارزشی و یا به عبارتی قدرت نرم افزاری از قدرت مادی و فیزیکی یا قدرت سخت افزاری تأثیرگذارتر و کاراثر است، زیرا تداوم و استمرار بیشتر دارد.

قدرت اخلاقی و ارزشی به جای به کارگیری زور، متضمن سلطه بر اذهان و افکار انسان‌ها برای پایش اصولی است که باید بر رفتار سیاست خارجی کشورها حاکم شود. اگر چه آنچه که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی آرمان‌گرایی خوانده می‌شود با مکتب فکری آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل انطباق و همخوانی ندارد، ولی از این نظریه می‌توان برای تحلیل رفتار سیاست خارجی ایران در بعضی از دوره‌ها و حوزه‌های موضوعی کمک گرفت. به ویژه اینکه باید اشاره داشت که گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی تا اندازه‌ای مبتنی بر بعضی از مفروضه‌های و اصول آرمان‌گرایی سنتی بود. مهمترین نشانگان چنین رویکردی طرح گفتگوی تمدن‌ها و ائتلاف برای صلح و اصلاح سرمشق معطوف به قدرت حاکم بر روابط



بین‌الملل، قرابت و همخوانی زیادی با اصول ارزشی و هنجاری مکتب آرمان‌گرایی دارد. (نیکسون، ۱۳۷۰:۱۲)

### رویکرد واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

واقع‌گرایی یک نظریه فراگیر و کلان روابط بین‌الملل است که در صدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی بر اساس ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورها می‌باشد. به عبارت دیگر، واقع‌گرایی یک رویکرد از داخل به خارج یا تصویر دوم است که برای فهم و توضیح روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها به خصوصیات ملی کشورها و انسان‌ها تاکید می‌کند. این نظریه که مبتنی بر واقع‌گرایی سیاسی است و ریشه در اندیشه‌های مورخین، فلاسفه و متالهینی چون تویسیدید، ماکیاول، هابز و راینهولد نیبور دارد، بعد از جنگ جهانی دوم توسط نظریه پردازانی چون هانس. جی. مورگنتا، ولفرز، آرون، ای اچ کار، و جرج کنان در واکنش به آرمان‌گرایی ارائه شد. (مشیرزاده، ۱۳۸۴:۸۴)

برخلاف آرمان‌گرایی که بر جهان آن‌گونه که باید باشد تاکید می‌ورزد، واقع‌گرایی مدعی است که جهان را آن‌گونه که هست توضیح می‌دهد. از منظر واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل متشکل از کشورهای دارای حاکمیت، خودپرست و منفعت‌طلب با منافع متفاوت و متعارض است که تلاش می‌کنند تا حد امکان آن منافع را افزایش دهند. واقع‌گرایان سیاست بین‌الملل را به صورت حوزه-ای تعریف می‌کنند که قانون و اخلاق در آن نقشی ندارد و مبارزه برای کسب قدرت بر مناسبات کشورها حاکم است. بنابراین، واقع‌گرایان بر رفتار کشورها و راهبردهایی که آنها برای تأمین بقاء و افزایش منافع خود به کار می‌برند، متمرکز می‌شوند. واقع‌گرایی برای تبیین روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی بر اصول و مفاهیم بنیادینی چون: قدرت محوری، دولت محوری، منافع ملی، موازنه قوا، وضعیت طبیعی، عقلانیت و بقاء تاکید می‌کند. واقع‌گرایان قدرت را به منزله مفهوم بنیادی روابط بین‌الملل قلمداد می‌کنند که نقشی همانند انرژی در فیزیک را ایفا می‌کند. سیاست بین‌الملل همانگونه که مورگنتا تصریح می‌کند، مانند انواع دیگر سیاست، مبارزه کشمکش بر سر قدرت است. مهمترین انگیزه و هدف کشورها در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کسب حداکثر قدرت و گسترش آن است. قدرت‌طلبی کشورها امری طبیعی است که از سرشت انسان سرچشمه می‌گیرد و در نظام بین‌الملل غیر متمرکز برای حفظ بقاء و ادامه حیات تشدید و تقویت می‌شود. بنابراین، قدرت هم هدف است و هم وسیله برای ادامه حیات. واقع‌گرایی همچنین فرض می‌کند که دولت، ملتها یا کشورها بازیگران اولیه روابط بین‌الملل هستند که هسته مرکزی نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند، در نتیجه این رویکرد نظری، روابط بین کشورهای دارای حاکمیت و تعاملات سیاسی را که مبتنی بر اصول قدرت و منافع ملی است، مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. واقع-

گرایان استدلال می‌کنند که با وجود ظهور بازیگران غیردولتی، همانند سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای فراملی، در نظام بین‌الملل، دولت ملی کماکان مهمترین بازیگر در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. این کشورها هستند که تصمیم نهایی را می‌گیرند و برای اجرای آن در سیاست بین‌الملل اقدام می‌کنند. بنابراین بازیگران غیردولتی، کنشگران ثانویه و درجه دوم هستند که نقش حاشیه‌ای در تعیین نتایج بین‌المللی و سیاست خارجی کشور دارند.

طبق رویکرد واقع‌گرایی، یک بازیگر عاقل کسی است که تلاش می‌کند تا منافع ملی خود را به حداکثر برساند. زیرا در یک نظام بین‌الملل غیر متمرکز متشکل از کشورهای خودپرست و منفعت طلب، تعهد و وظیفه اصلی حکومت و دولت‌مدان، تامین منافع جامعه ملی و دولتی است که نمایندگی آن را به عهده دارند، نه رعایت موازین اخلاقی که بر فرد افراد اعضای جامعه حاکم است، بنابراین رفتار کشورها براساس منافع ملی تبیین و تعیین می‌شود. (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۳)

بی‌تردید می‌توان گفت که واقع‌گرایی قالب فکری غالب در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. زیرا اکثر تحلیل‌گران، بر اساس مفهوم منافع ملی همان گونه که در نظریه واقع‌گرایی تعریف می‌شود، به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. یعنی تبیین رفتار خارجی جمهوری اسلامی با توجه به میزان و ماهیت قدرت مادی و فیزیکی این کشور. با وجود این، بعضی از پژوهشگران و صاحب‌نظران معتقدند که واقع‌گرایی نمی‌تواند کلیه جوانب سیاست خارجی جمهوری اسلامی را توضیح دهد، چون در بسیاری از موارد رفتار خارجی ایران از منطبق واقع‌گرایی پیروی نکرده و نمی‌کند. اما واقعیت آن است که نظریه واقع‌گرایی، با وجود نارسایی‌ها و کاستی‌های غیر قابل انکاری که دارد با جرح و تعدیل بعضی از اصول و مفروضه‌ها می‌تواند برای تحلیل و مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به کار رود. به ویژه مفهوم منافع ملی به معنای پیشینه سازی قدرت مادی را باید به گونه‌ای بازسازی و باز تعریف کرد که شامل منافع و ارزش‌های غیر مادی و ایدئولوژیک نیز بشود. زبرا منافع ملی کشورها، از جمله جمهوری اسلامی فقط محدود به منافع مادی نمی‌شود و منافع دیگری مانند منافع ایدئولوژیک و منافع مربوط به نظم جهانی را نیز در بر می‌گیرد که لزوماً مادی نیستند.

### رویکرد نو واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

نوواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری نظریه‌ای واقع‌گرا است که به اصول و مفروضه‌های محوری واقع‌گرایی کلاسیک مانند کشور محوری، قدرت محوری، موازنه قوا، یکپارچگی و عقلانیت کشورها و وضع طبیعی بین‌المللی وفادار است، اما برخلاف واقع‌گرایی که دیدگاهی در سطح خرد است، نو واقع‌گرایی نظریه‌ای در سطح تحلیل کلان یا تصویر سوم است که رویکردی برون به درون به نتایج

بین‌المللی و سیاست خارجی دارد. به عبارت دیگر، نو واقع‌گرایی نظریه‌ای نظام مند است که مهمترین عامل تعیین کننده سیاست بین‌الملل و به تبع آن رفتار کشورها در عرصه بین‌المللی را نظام بین‌الملل و ویژگی‌های آن به ویژه ساختار آنارشیک می‌داند.

پرسش کلیدی و اساسی واقع‌گرایی ساختاری این است که چرا کشورهای مختلف با ساختار سیاسی متفاوت، وضعیت و موقعیت‌های جغرافیایی گوناگون و اختلافات ایدئولوژیک، در سیاست خارجی رفتارهای مشابهی را از خود بروز می‌دهند؟ هواداران این نظریه معتقدند که جواب این سؤال را می‌توان در ماهیت نظام بین‌الملل و محدودیت‌هایی یافت که این نظام برای کشور های مختلف ایجاد می‌کند. بنابراین، در حالی که واقع‌گرایانی چون مورگنتا ریشه قدرت طلبی کشورها را در ذات انسان و ماهیت دولت می‌دانند، نو واقع‌گرایانی چون کنت والتز، وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل را علت اصلی قلمداد می‌کنند که تجمیع و انباشت قدرت را به عنوان یک نیاز حیاتی بر کشورها دیکته می‌کند. نو واقع‌گرایان معتقدند که نظام بین‌الملل آنارشیک است. این آنارشی البته به معنای بی‌نظمی و هرج و مرج بین‌المللی و عدم رفتار الگومند و همچنین به معنای جنگ تمام عیار و مناقشه‌عریان و مستمر نیست، بلکه منظور از آنارشی نوعی اصل نظام بخش و تنظیم کننده است که توضیح می‌دهد نظام بین‌الملل از واحدهای سیاسی مستقلی تشکیل شده است که فاقد یک اقتدار مرکزی حاکم بر آنهاست. به عبارت دیگر، حاکمیت ذاتی کشورهاست. چون هیچ مرجع حاکم بالاتری وجود ندارد. در نظام بین‌الملل هیچ حکومتی بر حکومت‌ها وجود ندارد. پس بی‌نظمی یا آنارشی یعنی فقدان حکومت مرکزی در نظام بین‌الملل. به طور کلی آنارشی سه الگوی رفتاری را برای کشورها از جمله جمهوری اسلامی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایجاد می‌کند. اولاً، کشورها نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد بوده و سوء ظن دارند. آنها همواره از خطر بروز جنگ نگران هستند. چنین ترسی بر این واقعیت استوار است که در جهانی که کشورها قادرند به کشور دیگر حمله کنند، هر کشوری برای حفظ موجودیت خود حق دارد که نسبت به دیگران بی‌اعتماد باشد علاوه بر این در یک نظام بین‌الملل که هیچ مرجع قانونی وجود ندارد که یک کشور تهدید شده برای کمک گرفتن به آن مراجعه کند، کشورها انگیزه بیشتری برای سوءظن می‌یابند. فراتر از این، در عرصه بین‌المللی سازوکاری به جز منافع خودپرستانه طرف ثالث برای مجازات متجاوز وجود ندارد. این موضوع کشورها را از اینکه مورد تجاوز قرار گیرند، بیش از پیش دچار سوء ظن و بی‌اعتمادی می‌کند. ثانیاً مهمترین هدف کشورها در نظام بین‌الملل تضمین بقا و ادامه حیات است. به علت اینکه سایر کشورها تهدیدات بالقوه‌ای هستند و هیچ اقتدار برتری وجود ندارد که کشورهای مورد تجاوز را نجات دهد، پس کشورها نمی‌توانند برای تأمین امنیت خود به دیگران متکی باشند. به کلام دیگر، چون نظام بین‌الملل خودیار است، هریک

از کشورها باید به تنهایی امنیت خود را تأمین کند و اتحادها و پیمان‌های نظامی پدیده‌هایی زودگذر و متغیر هستند. ثالثاً کشورها در نظام بین‌الملل تلاش می‌کنند قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. دلیل این رفتار و اقدام، بسیار ساده است، چون هرچه قدرت و مزیت نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی آن نیز بیشتر و بالاتر خواهد بود. هر کشوری مایل است که برترین قدرت در نظام بین‌الملل باشد، زیرا این بهترین راه برای تأمین بقا در نظامی است که می‌تواند بسیار خطرناک باشد. این منطق، انگیزه‌های قدرتمندی برای کشورها ایجاد می‌کند تا از یکدیگر سوء استفاده کنند. از جمله، اگر شرایط آماده باشد و احتمال پیروزی وجود داشته باشد، وارد جنگ شوند. هدف و انگیزه اصلی، کسب حداکثر قدرت به قیمت کاهش قدرت دیگر رقباست. با وجود اینکه کنت والتز بیان می‌کند که نظریه واقع‌گرایی ساختاری یک نظریه سیاست بین‌الملل است و نه یک نظریه سیاست خارجی، اما می‌توان بر اساس اصول و مفروضه‌های آن چارچوب مفهومی را برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه داد. زیرا، اگر چه ساختار نظام بین‌المللی و تغییرات آن تنها عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی ایران نیست ولی بی تردید یکی از متغیرهای اساسی در تعیین اهداف و انگیزه‌های رفتاری آن است. بنابراین نظریه نو واقع‌گرایی قادر است تأثیر تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل و نظام منطقه‌ای پس از فروپاشی شوروی را بر سیاست خارجی ایران توضیح دهد.

### رویکرد نهادگرایی نولیبرال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

نهادگرایی نولیبرال یا نولیبرالیسم، نظریه‌ای نظام مند از نوع تصویر سوم است که منبع و مرجع رفتار و سیاست خارجی کشورها را نظام بین‌الملل و ویژگی‌های آن می‌داند. این نظریه حاصل تلاش نظری برای تلفیق دو پارادایم متمایز لیبرال و واقع‌گرا در روابط بین‌الملل است که سه عنصر ناشی از این دو مشرب فکری را با هم ترکیب می‌کند. نخست، نو لیبرالیسم نقش مهمی را که کشورها در روابط بین‌الملل ایفاء می‌کنند به رسمیت می‌شناسد و به تبع آن منافع ملی و قدرت آنها را مورد توجه جدی قرار می‌دهد. دوم، انگیزه‌های قوی و قاطعی را که برای همکاری از راه وابستگی متقابل در سطح بین‌المللی ایجاد می‌شود، مد نظر قرار می‌دهد. سوم بر شیوه‌هایی که نهادهای بین‌المللی به ادراک منافع ملی و ارجحیت‌های کشورها، از طریق تأثیرگذاری به محاسبات هزینه فایده حاصل از اقدامات و کنش‌های مختلف شکل می‌دهند، تاکید می‌کند. نهادگرایی نولیبرال بر پنج اصل و مفروض محوری استوار است که عبارتند از: نظام بین‌الملل مهمترین عامل تعیین‌کننده رفتار کشورها و نتایج بین‌الملل است، نظام بین‌الملل آنارشیک است، کشورهای واحدهای یکپارچه و عاقل هستند، کشورها مهمترین بازیگران بین‌المللی می‌باشند، نهادهای بین‌المللی هویت و موجودیت مستقلی دارند. نو لیبرال‌ها استدلال می‌کنند که کشورهای

منافع ملی خود را با توجه به قدرت ملی و نیاتشان تعریف می‌کنند. عوامل تعیین کننده منافع ملی کشورها مبتنی بر چارچوب نهادی که کشورها در آن تعامل دارند و نیز توزیع بین‌المللی قدرت و جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل است. نگرانی و حساسیت کشورها نسبت به سود نسبی سایر کشورها، شدیداً تحت تأثیر ادراکات و برداشت‌های آنها از نیات سایر کشورها قرار می‌گیرد. به کارگیری نظریه نو لیبرالیسم برای تحلیل و مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متضمن و مستلزم تأثیر تغییرات ساختاری و نهاد نظام بین‌الملل بر رفتار خارجی آن است. سیاست خارجی ایران نسبت به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای و چگونگی و میزان تأثیر گذاری آنها بر رفتار کشور نیز می‌توان در چارچوب مفهومی این نظریه توضیح داد. فراتر از این، رفتارهای همکاری جویانه جمهوری اسلامی در قبال کشورهای دوست و گسترش مناسبات با آنها، سیاست مقابله جویانه در برابر کشورها و بازیگران متخاصم و حساسیت بسیار نسبت به افزایش توانایی نسبی آنها نیز بر اصول و مفروضه‌های نو لیبرالیسم منطبق است. فراتر از این، در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مفهوم منافع ملی، علاوه بر انگیزه‌ها و اهداف امنیتی و حفظ بقاء باید آماج و ارزش‌های غیر نظامی مانند رفاه اقتصادی و توسعه فناوری را نیز مورد توجه قرار داد.

### رویکرد گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

بر اساس تحلیل گفتمان، دو نوع تغییر و تحول گفتمانی قابل تصور و امکانپذیر است. تغییر در گفتمان و تغییر از گفتمان. تغییر از گفتمان به معنای دگرگونی و دگرذیسی بنیادین فراگیر و ماهوی است که در اثر تغییر در اصول حاکمه یک گفتمان حادث می‌شود. به عبارت دیگر، اگر هسته مرکزی و احکام ریشه‌ای گفتمان زایل دگرگون یا منسوخ شوند، تحول از گفتمان رخ می‌دهد. یکی از اصلی‌ترین منازعات در عرصه اجتماع و سیاست، کشمکش برای تعیین معنا و تعلق یک مفهوم به یک گفتمان خاص است. جامعه سرشار از این مبارزات گفتمانی در حوزه‌های موضوعی مختلف است. هدف از این معارضة گفتمانی دست یافتن به منزلت هژمونیک است. در حقیقت، همانگونه که دیوید هوارت توضیح می‌دهد، عمل استیلاجویی نوعی کردار و عمل مفصل‌بندانه برای تعیین و تعریف قواعد و معانی مسلطی است که هویت و صورت‌بندی‌های گفتمانی را می‌سازند. این رفتار هژمونیک مستلزم مرزبندی سیاسی بین نیروهای سیاسی و همچنین وجود دال‌های شناوری است که گفتمان‌ها برای تعریف و تثبیت معنا و مدلول آنها با هم رقابت و کشمکش دارند. هدف کردارهای هژمونیک مفصل‌بندی دال‌های شناور و عناصر تصادفی در یک پروژه سیاسی و سپس معنا بخشیدن به آنهاست. بنابراین، تثبیت رابطه بین دال و مدلول، هژمونی تعریف می‌شود.

از نظر تحلیل گفتمان به دو صورت می‌توان برای واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره جست. نخست به عنوان چارچوب مفهومی جهت مطالعه و تبیین چگونگی تغییر و تحول گفتمانی در سیاست خارجی ایران اعم از تغییر در درون یک گفتمان یا تغییر از یک گفتمان به یک گفتمان متمایز دیگر. دوم با به کارگیری تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تغییرات رفتاری آن به صورت در زمانی و همزمانی بر اساس تحول گفتمانی در آن امکانپذیر می‌شود. به عبارت دیگر، تأثیرگذاری عوامل و عناصر گفتمان‌های مختلف بر رفتار سیاست خارجی ایران را می‌توان در قالب تحلیل گفتمان بررسی کرد و در عمل نشان داد؛ در نتیجه نقش بسیاری از مولفه‌ها و متغیرهای فکری و عقیدتی که در نظریه‌های جریان اصلی به ویژه خردگرایی نادیده انگاشته شده‌اند، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ملحوظ گردیده و توضیح داده خواهد شد.

هر یک از رویکردهای نظری تنها از قدرت تبیین و تحلیل بخشی از ماهیت و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است و نمی‌تواند کلیه ابعاد و جوانب آن را توضیح دهد. چون این رهیافت‌ها سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به صورت تک عاملی و یک متغیره در نظر می‌گیرند و بر یک دسته عوامل و عناصر خاص متمرکز می‌شوند. در صورتی که سیاست خارجی ایران، مانند هر کشور دیگر معلول متغیرهای متعدد و متفاوتی در سطوح مختلف تحلیل فردی، ملی و بین‌الملل است که در این نظریه‌ها مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بنابراین برای شناخت و سپس تحلیل ماهیت و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی، چارچوب تحلیلی مبتنی بر تلفیق بین سطوح لازم است که بتواند سیاست خارجی چند عاملی ایران را تبیین کند.

### گفتمان آرمان‌گرایی و گفتمان واقع‌گرایی

به طور کلی، براساس مبانی اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دو گفتمان عمده در این زمینه می‌توان مشاهده کرد: گفتمان آرمان‌گرایی و گفتمان واقع‌گرایی، البته برخی از تحولات سیاست خارجی ایران در حقیقت بین این دو گفتمان اصلی قرار دارند و هر از گاهی یکی از این گفتمان‌ها بر دیگری سایه می‌اندازد. در این میان، آرمان‌گرایی چنان که در بالا هم اشاره شد، وجه اصلی در سیاست خارجی است. این را باید در نظر داشت که در ۳۴ سال اخیر، سیاست خارجی ایران نقش مهمی در شکل‌دهی به تحولات منطقه داشته است چه در زمینه آرمان‌گرایانه و چه در مسائل واقع‌گرایانه. اگر تحلیل گفتمانی به عنوان مبنای اصلی در شناخت سیاست خارجی و تحولات آن در نظر گرفته شود، یکی از نشانه‌های تحلیل گفتمانی مورد سنجش «اتحاد» و «ائتلاف» سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در شکل بندی-های قرار داد زیرا وقتی که صحبت از سیاست خارجی می‌شود، هدف آن است که چگونگی ائتلاف

و تعارض بررسی شوند. به علاوه بازیگرانی شناسایی شوند که در معادله قدرت تأثیرگذارند و در نهایت زمینه برای تبیین نوع رفتار کشورها و بازیگران فراهم شود. هرگونه کنش سیاست خارجی ایران می‌تواند با قالب‌های ادراکی و همچنین کارکردی مفهوم پیدا کند. زمانی که سیاست شکل می‌گیرد، به واژه‌سازی و همچنین مفهوم‌سازی نیاز دارد. دسته‌ای از واژه‌های سیاسی نه تنها بر معادله قدرت تأثیر می‌گذارند بلکه قادر خواهند بود که نشانه‌هایی از قدرت‌سازی را منعکس کنند. به طور مثال، جمهوری اسلامی ایران در آغاز پیروزی خود بر ضرورت گسترش انقلاب‌های سیاسی در کشورهای خاورمیانه تأکید می‌کرد. تئوری صدور انقلاب با ذات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیوند یافته است. به همین دلیل است که ایران همواره سنگر انقلاب‌های رهایی بخش بوده است... (کاظمی، ۱۳۷۴: ۱۱۴)

### آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی

از زمانی که بحث عملی کردن روابط بین‌الملل مطرح گردیده، بسیاری از سنت‌گرایان که به این دو نحوه نظریه‌های علمی فکری و بینش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی وابسته‌اند، همواره با شک و تردید به قلمرو نگاه کرده‌اند. به یک تعبیر، اختلاف بین میان آنها بیشتر شکلی و روش‌شناختی است تا ماهوی. از منظر عالمان سیاست‌گذاری، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی چنان مقوله پیچیده و گسترده‌ای است که در ظرف محدود علم نمی‌گنجد. به همین اعتبار، غالباً دولتمردان سیاسی و کسانی که دست اندرکاران تدوین و اجرای سیاست خارجی هستند، روی خوشی با نظریه‌پردازان ندارند. زیرا از نگاه آنها مراودات برون‌مرزی دولتها آن‌چنان جدا و متفاوت است که تن به قانونمندی‌های رایج نمی‌دهند. از طرفی حادثه و رخداد بحرانی که نوعی تصمیم‌گیری و اقدام را طلب می‌کند، داستان و قاعده مربوط به خود را دارد و عمومیت دادن آن به دیگر رخدادها ممکن نیست. ادعاهای فوق مانع از آن نمی‌شود که ما نتوانیم دو دیدگاه شاخص آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را که از دیر زمان در اندیشه سیاسی و سیاست‌گذاری عملی مطرح بود از زاویه‌ای جدید مورد ارزیابی قرار دهیم. بحث حاضر، با بهره‌گیری از یک الگوی تمثیلی، سعی دارد دریابد آیا تعارضی ماهوی میان دو دیدگاه وجود دارد و آیا می‌توان به نوعی تلفیق و ترکیب سازگار و منطقی میان آنها در نظر و عمل برای تدوین و هدایت سیاست خارجی دست یافت. بدیهی است که طرح موضوع به این شیوه، به هیچ وجه بهره‌گیری از رهیافت‌های دیگر علمی در قلمرو روابط بین‌الملل را که ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد، نفی نمی‌کند.

### مؤلفه‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در میان چهار منبع و نظام معنایی بین‌الذهانی جستجو کرد: ملی‌گرایی یا ایران‌گرایی،

اسلام‌گرایی شیعی، جهان‌سوم‌گرایی، نظام ارزشی بین‌المللی حاکم بر روابط بین‌الملل. هریک از این ساختارهای معانی حول یک نقطه کانونی و مفهوم محوری شکل می‌گیرد و بر عنصر یا عناصر خاصی از هویت ملی ایران تاکید می‌کند. ملی‌گرایی بر ملیت ایرانی استوار است و نقطه کانونی و مرکزی آن را تشکیل «اسلامیت» گرایی شیعی، ملیتی بر آموزه‌های اسلام شیعی است و عدم می‌دهد. جهان‌سوم‌گرایی، بر اساس اصول و اهداف جنبش غیرمتعهدهاست که اندیشه محوری آن می‌باشد. گفتمان بین‌المللی، حول مفهوم دولت ملی شکل می‌گیرد که هنجار و عنصر زیربنایی آن تعهد است.

اصل حاکمیت ملی است: ۱- جمهوری اسلامی ایران نیاز به اولویت بندی در اهداف و نوع پرداخت به آنان دارد؛ ۲. جمهوری اسلامی ایران در تحصیل منافع خود در سطح نظام بین‌الملل مواجه با تهدیدات و موانع گوناگون است؛ ۳. جمهوری اسلامی ایران نیازمند است تا بر مبنای منافع خود در روندهای بین‌المللی شرکت و دست به اتحاد و ائتلاف بزند؛ ۴. جمهوری اسلامی ایران باید به شدت از ورود به ترتیباتی که در اولویت امنیتی این کشور قرار ندارد پرهیز نماید؛ ۵. جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد تا نوعی فرهنگ جدید را در عرصه دیپلماسی ایجاد نماید، به گونه‌ای که این فرهنگ از جامعیت و فراگیری در سطح نظام سیاسی برخوردار بوده و در عین حال بر اساس نیازهایی واقعی نظام سیاسی طراحی شده باشد؛ ۶. جمهوری اسلامی ایران باید در عرصه سیاست خارجی تا جای ممکن توانایی آزادی عمل خود را بالا برده و از این طریق به اهداف مندرج در منافع ملی خود دست یابد.

### نتیجه‌گیری

نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، کارگزاران نظام سیاسی و دولتمردان از شاخص‌هایی همانند تفکر، جهت‌گیری و ایدئولوژی سیاسی برای تحقق و تبیین منافع ملی استفاده می‌کنند. بر اساس چنین نگرشی، هیچ‌گونه تمایزی بین «منافع ملی» و «شاخص‌های ایدئولوژیک» وجود ندارد. منافع ملی را می‌توان معیاری برای «تحلیل سیاسی» و «کنش سیاسی» بازیگران دانست. از آنجایی که طیف گسترده‌ای از موضوعات در روندهای تنظیم منافع ملی سیاست خارجی کشورها مشارکت دارند، بنابراین نمی‌توان منافع ملی را صرفاً در قالب مفهوم خاصی از روابط و همکاری‌های سنتی با سایر کشورها قرار داد. بین واقعیت‌های منافع ملی سیاست خارجی، بیان‌کننده‌ی قواعد و اصول نسبتاً مشترکی برای تمامی واحدهای سیاسی است. قواعد و اصول مشترک سیاست خارجی به مفهوم آن است که اولاً منافع ملی، انعکاس قدرت سیاسی کشورها است، ثانیاً منافع ملی با شاخص‌های ایدئولوژیک هر کشوری تبیین و تفسیر می‌شود، ثالثاً منافع ملی ماهیت هنجاری دارد، رابعاً هر کشوری بدون توجه به موضوعات جانبی در راستای حداکثرسازی منافع



ملی خود تصمیم‌گیری می‌کند، خامساً منافع ملی چراغ راهنمای تمامی کشورها محسوب می‌شود که باید به بقای سیاسی و امنیت ملی منجر شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران شش گفتمان مسلط در این سالها را بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به این عنوان‌ها تقسیم بندی کرد: ۱- گفتمان دوره واقع‌گرایی حفظ محور (۱۳۵۷-۱۳۶۰) ۲- گفتمان دوره آرمان‌گرایی بسط محور (۱۳۶۸-۱۳۶۰) ۳- گفتمان دوره توسعه‌گرایی اقتصاد محور (۱۳۶۸-۱۳۷۶) ۴- گفتمان دوره توسعه‌گرایی سیاست محور (۱۳۷۶-۱۳۸۴) ۵- گفتمان دوره آرمان‌گرایی اصول محور (۱۳۸۴-۱۳۹۲) در دوره دکتر احمدی نژاد. ۶- در دوره روحانی نیز گفتمان اعتدال‌گرایی و تنش‌زدایی با غرب تداوم یافت. تحول‌گفتمانی در سیاست خارجی تابع تحولات مختلف در سطوح فردی، داخلی و خارجی اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است و با به قدرت رسیدن رؤسای جمهور مختلف با سلايق و علائق متفاوت از یک سو و تحولات داخلی و خارجی از سوی دیگر گفتمان‌های سیاست خارجی ایران نیز دچار تغییر و تحول می‌شود، به‌گونه‌ای که افراد تصمیم‌گیرنده که خودساخته و پرداخته و قائل و حامل گفتمان‌ها هستند، آنها را بر سیاست خارجی ایران نیز حاکم می‌کنند. تحولات داخلی نیز زمینه در دسترس بودن برخی از گفتمان‌ها و در دوردست قرار گرفتن بعضی دیگر از آنها را فراهم می‌سازد. ظهور و بروز گفتمان‌ها در سطوح منطقه‌ای و جهانی نیز نقش مقومی در تحولات گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارند.

هر کدام از گفتمان‌های سیاست خارجی از نقاط مثبت و منفی در پیشبرد منافع ملی برخوردار بوده‌اند. برخی از نقاط مثبت در سطح ساختار را می‌توان در موضوع استقلال، مکتبی بودن، توجه به افکار عمومی جهان اسلام، نگرش جهانی و... در نظر گرفت. البته در سطح ساختاری با چالش‌هایی همانند منفک بودن مراکز تصمیمی‌گیری، تعریف نامشخص از منافع ملی، فقدان استراتژی مشخص، بی‌توجهی به ماهیت سیال نظام بین‌الملل، تحول در سیاست خارجی با تغییر رئیس جمهور و... برخوردار بوده که تحقق منافع ملی را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در سطح خرد هر کدام از گفتمان‌های سیاست خارجی با چالش‌هایی همانند یکجانبه‌گرایی، عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی، نگرش جناحی به سیاست خارجی، فقدان اطلاعات درست از تحولات بین‌المللی، نگرش ژورنالیستی به سیاست خارجی، فقدان تخصص-گرایی، جدا کردن اروپا از امریکا، تنش‌های منطقه‌ای و... مواجه بوده است که پیشبرد منافع ملی با مشکلات خاصی مواجه شود.

## منابع فارسی

- آلیسن، گراهام تی (۱۳۶۴)، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه متقی و پوستین چی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- رضانی روح... (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی
- رنجبر مسعود (۱۳۸۳)، منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، آیت عشق
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک
- سیدمحمد کاظم سجادی‌پور (۱۳۸۱)، سیاست خارجی ایران، چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی، تهران، وزارت امور خارجه
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، نشر سمت
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری، تهران، نشر سمت
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل، تهران، نشر سمت
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل، تهران، نشر دادگستر
- مورگنتا، هانس (۱۳۷۴)، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- یوسفی، امیرمحمد حاجی (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های جهانی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی